

آمریکاستیزی امام خمینی(ره) به روایت آیت‌الله غیوری

۵ دی ۱۳۹۳ ساعت ۲۱:۱۹

عالی‌ترین دلیل شم قوی سیاسی امام این بود که از همان ابتدا نوک تیز حمله خود را متوجه آمریکا کرده بود و سپس به شاه و دربار می‌پرداخت.

در زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی، صرف‌نظر از من که طلبه کوچکی بودم، محصلان جدی و زبده‌های حوزه غالباً به درس حضرت امام می‌آمدند.

حضور این افراد در درس حضرت امام دلایل گوناگونی داشت، از آن جمله، نظم و ترتیب امام در بیان درس و زحمتی که حضرت امام می‌کشید و مطالعه می‌کرد.

ایشان همه اقوال را می‌دیدند و به درس تسلط کامل داشتند. بسیار کم اتفاق می‌افتاد که شاگردان با سؤالی امام را متوقف کنند. تسلط، حافظه خوب و استعداد سرشاری که ایشان داشتند از دلایل دیگری بود که باعث شد تا فضایی متبحر و نخبه، اغلب شاگردان ایشان باشند و از محضر ایشان بهره جویند. بعد از فوت آیت‌الله بروجردی، همین ویژگی‌ها باعث شده بود تا حضرت امام بیشترین شاگردان را داشته باشند.

بنده یک دوره درس خارج را در محضر حضرت امام خمینی فرا گرفتم. نظمی که در آن زمان از ایشان دیدم تاکنون از کسی ندیده‌ام. این نظم و برنامه به گونه‌ای بود که ما اغلب ساعت‌هایمان را، که ساعت‌های قدیمی کوکی بود و گاهی می‌ایستاد، با آمدن ایشان تنظیم می‌کردیم.

کلاس درس ایشان بسیار منظم بود و مرتب نیز برقرار می‌شد و تعطیلی بسیار کم داشت. مثلاً درس اصول حضرت امام که حدود چهار سال و نیم طول کشید، تنها دو روز تعطیل بود که یکی از آن دو روز را ظاهراً کسالت داشتند.

نظم و ترتیبی که حضرت امام (ره) در امور داشتند بسیار عجیب و جالب توجه بود. این خصوصیت در تمامی شئون زندگی ایشان ساری و جاری بود؛ مثلاً ایشان جمعه‌ها سر ساعت به حمام می‌رفتند و سر ساعت بیرون می‌آمدند و زمان زیارت ایشان در حرم بسیار دقیق بود و اصلاً از لحاظ زمانی عقب و جلو نمی‌شد، طوری که می‌شد بر اساس آن برنامه‌ریزی کرد. این امر نشان‌دهنده

شدن نظم و ترتیب در زندگی حضرت امام بود.

برخی از مدرسین وقتی درس را شروع می کردند و مقداری پیش می رفتند، از نحوه تدریس آنها ما متوجه می شدیم که شب قبل در مورد درس مطالعه داشته اند یا خیر. اگر مطالب روز گذشته را تکرار می کردند متوجه می شدیم که مطالعه نکرده اند. البته کثرت کار مخصوصاً برای برخی مراجع باعث چنین کاری می شد اما من به یاد ندارم که ما یک بار هم متوجه شده باشیم که امام مطالعه نکرده اند. ایشان مطالعه را مقدم بر همه چیز می دانستند و بیشتر وقتشان را صرف مطالعه و تدریس می کردند. ایشان برای کارهای مرجعیت و تقلید مانند افراد اینکه بیایند و بروند و وجوهات بدهند، چندان وقت نمی گذاشتند.

منزل ما در گذر جدا بود و منزل قدیمی امام در یخچال قاضی، به همین دلیل مسیر رفت و آمد من با حضرت امام یکی بود. زمانی که پشت سر ایشان حرکت می کردم به محض اینکه امام صدای کفش مرا می شنیدند، کنار کوچه می ایستادند و می فرمودند: «بفرمایید». ایشان قبول نمی کردند کسی پشت سر ایشان یا با ایشان راه برود. سعی می کردند که تنها بروند و این یکی از ویژگی های ایشان بود.

شخصیت علمی و اخلاقی حضرت امام در درجهی اول، و شم قوی سیاسی ایشان در درجه دوم، ما را شیفته و مجذوب امام نمود. عالی ترین دلیل شم قوی سیاسی امام این بود که از همان ابتدا نوک تیز حمله خود را متوجه آمریکا کرده بود و سپس به شاه و دربار می پرداخت.

این نکته پس از سالها برای افرادی که ادعای کار سیاسی داشتند ولی اطلاعی نداشتند روشن شد که این قول امام که فرمودند: «تمام بدبختی های ما از آمریکا است و آمریکا شیطان بزرگ است». سخن حق و بجایی بوده است، علاقمندی و اعتقاد ما به امام باعث شد، پیرو ایشان باشیم.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۲۶۴۶/غیوری-الله-آیت-روایت-ره-خمینی-امام-آمریکا-ستیز>